

Explaining and investigating the influence of Tabrani Shami's writings in the flow of knowledge of Sahaba writing in Isfahan

Maryam Parvinian,¹  Asghar Montazer Al-qa'em,^{2✉}  Aliakbar Abbasi 

1. Phd student of Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Isfahan University, Isfahan, Iran. E-mail: maryam_parvinian@yahoo.com

2. Professor, history, Faculty of Literature and Humanities, Isfahan University, Isfahan Iran
E-mail: montazer@ltr.ui.ac.ir

3. Assistant Professor, history, Faculty of Literature and Humanities, Isfahan University, Isfahan Iran, E-mail: aa.abbasi@ltr.ui.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	Sahaba-writing is important in the knowledge of hadith and includes many styles. Sahaba in the chain of hadith documents indicate whether the hadiths are reliable or not. The scholars of Neishabur, Mecca, Medina, Kufa, Basra, Baghdad and Sham, where were famous scientific centers in Islamic civilization, left numerous works in the knowledge of Sahaba-writing. In the scientific connection between Sham and Isfahan, Suleiman bin Ahmad Tabrani traveled to Isfahan. With his numerous writings and the training of famous and outstanding students in Isfahan, he led to changes in this knowledge. This research is trying to analyze and investigate the factors affecting the development of Sahaba-writing by this scientist in Isfahan using a library method. The result of his actions was the beginning of a movement that, with the training of Isfahani scholars, placed this city in the second rank of Sahaba-writing in the scientific centers of Islamic civilization.
Article history: Received: 2023-01-26 Revised : 2023-05-05 Accepted: 2023-07-10 Available online 1 July 2025	
Keywords: Tabrani, knowledge of hadith, The Great Dictionary, Sahaba-writing, Abu Na'im Isfahani.	

Cite this article: Parvinian, Maryam; Montazerolghaem, Asghar; Abbasi, Aliakbar (2025). Explaining and investigating the influence of Tabrani Shami's writings in the flow of knowledge of Sahaba writing in Isfahan, *Historical Studies of the Islamic World*, 34 (2), 30-49
<https://doi.org/10.22034/mte.2023.14206.1648>



© The Author(s).

Publisher: Al-Mustafa International University.

DOI: <https://doi.org/10.22034/mte.2023.14206.1648>

تبیین و بررسی تاثیر تالیفات طبرانی شامی در جریان دانش صحابه‌نگاری اصفهان

مریم پروینیان^۱ | اصغر منتظرالقائم^۲ | علی اکبر عباسی^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

رایانامه: maryam_parvinian@yahoo.com

۲. نویسنده مسؤول، استاد گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

رایانامه: montazer@ltr.ui.ac.ir

۳. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

رایانامه: aa.abbasi@ltr.ui.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

صحابه‌نگاری در دانش حدیث بسیار مهم است و سبک‌های مختلفی را دربرمی‌گیرد. صحابه در سلسله اسناد احادیث بیانگر موثق و ناموثق بودن احادیث می‌باشد. عالمان نیشابور، مکه، مدینه، کوفه، بصره، بغداد و شام که از مراکز مشهور علمی در تمدن اسلامی بودند در دانش صحابه‌نگاری تالیفات متعددی به یادگار گذاشتند. در ارتباط علمی شام و اصفهان سلیمان بن احمد طبرانی به اصفهان سفر کرد. او با تالیفات متعدد و تربیت شاگردان مشهور و برجسته در اصفهان منجر به تغییر و تحول در این دانش شد. این پژوهش درصدد است با روش کتابخانه‌ای به تحلیل و بررسی عوامل موثر بر رونق صحابه‌نگاری توسط این دانشمند در اصفهان بپردازد. نتیجه اقدامات او شروع جریان بود که با تربیت محدثان اصفهانی این شهر را در رتبه دوم صحابه‌نگاری در مراکز علمی تمدن اسلامی قرار داد.

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۱۰

کلیدواژه‌ها:

طبرانی،

دانش حدیث،

معجم کبیر،

صحابه‌نگاری،

ابونعیم اصفهانی.

استناد: پروی نیان، مریم؛ منتظرالقائم، اصغر؛ و عباسی، علی اکبر (۱۴۰۴). تبیین و بررسی تاثیر تالیفات طبرانی شامی در جریان دانش صحابه‌نگاری

اصفهان. مطالعات تاریخی جهان اسلام، ۳۴ (۲)، ۴۹-۳۰. <https://doi.org/10.22034/mte.2023.14206.1648>



© نویسندگان.

ناشر: جامعه المصطفی (ص) العالمیه.

مقدمه

گسترش قلمرو اسلام پس از حضرت محمد(ص) باعث انتقال میراث سیره و سنت ایشان توسط صحابه شد. آنان به نقاط مختلف سفر کردند و این میراث را به نومسلمانان منتقل کردند. عواملی همچون جایگاه و ارزش صحابه به عنوان رابط بین مسلمانان و حضرت محمد(ص) آنان را به اشخاصی اثرگذار و معتبر در جامعه تبدیل کرد. رواج احادیث جعلی معضل بسیار مهمی در مراکز علمی چون بصره، کوفه، بغداد و سایر مراکز بود؛ بنابراین نیاز به شناخت صحابه بسیار ضروری شد. زیرا نسل‌های بعدی از آشنایی و اطلاعات کافی نسبت به صحابه برخوردار نبودند. در این جریان آثاری به نگارش درآمد که در آن صحابه را معرفی کرده و یک یا چند حدیث را به عنوان حجت و نشانه صحابی بودن آنان ذکر کردند. از طرف دیگر دانش صحابه‌نگاری از پایه‌های اساسی و ضروری برای علوم دینی از جمله حدیث، فقه و قرائت.... محسوب می‌شد. این مساله بیانگر اهمیت بیش از حد این دانش بود.

تالیفات صحابه‌نگاری بر ساختار حدیثی یا شرح حال نگاری و یا ساختار کلامی شکل گرفت. در کنار این شیوه‌ها محدثان شهرهای مختلف، به نگارش تالیفاتی پرداختند که در ضمن اشاره به تاریخ شهرشان، به محدثان شهر خود و محدثان شهرهای دیگر نیز اشاره کردند. در این تالیفات صحابه و نمونه احادیث آنها را ذکر کردند. مولفان این آثار در ضمن بیان احادیث، نام صحابه را در سلسله اسناد حدیث ذکر می‌کردند. طبقات المحدثین باصبهان و الواردین علیها از حافظ ابوشیخ اصفهانی و ذکر اخبار اصبهان از ابونعیم اصفهانی از جمله آثاری بود که در جریان تالیفات صحابه‌نگاری در اصفهان تالیف شد و به حضور این صحابه در اصفهان پرداختند.

شهرهای معروفی چون خراسان، کوفه، بصره، مدینه، مکه و شام از مراکز مشهور علمی در تمدن اسلامی و الگویی برای مناطق دیگر بودند. اصفهان در ارتباطات علمی خود با شهرهای سرزمین شام، میزبان دانشمندی از سرزمین شام شد که در زمینه صحابه‌نگاری آثار مشهور و فرمانطقه‌ای تالیف کرد. او پس از سفر دوم خود به اصفهان حدود ۹۲۲/۳۱۰ تا پایان عمرش در ۹۷۰/۳۶۰ در اصفهان اقامت کرد.

این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال خواهد بود که عوامل موثر بر توسعه دانش حدیث و مکتب صحابه نگاری توسط طبرانی در اصفهان چه بود؟ آثار طبرانی چه نتایجی برای مکتب صحابه‌نگاری اصفهان به همراه داشت؟

پیشینه تحقیق: در مورد صحابه‌نگاری در تمدن اسلامی کتاب‌ها و مقالاتی به نگارش درآمده است. در بیشتر این آثار به همه مراکز علمی در تمدن اسلامی پرداخته‌اند. یکی از این

مقالات در مورد دانش صحابه‌نگاری در ایران توسط خانجانی (۱۳۹۸) نگارش یافته که به مراکز علمی ایران پرداخته اما به دلیل اینکه به مراکز مختلف پرداخته به همه جنبه‌های صحابه‌نگاری اصفهان و شخصیت‌های موثر در این دانش پرداخته است. مقاله درآمدی بر شناخت شکل‌گیری و تطور صحابه‌نگاری از هدایت پناه (۱۳۸۸) نیز به این موضوع پرداخته است و در خلال آن به زمینه شکل‌گیری و محدثان مشهور و انواع صحابه‌نگاری اشاره کرده است. هدایت پناه (۱۳۸۱) مقاله دیگری با عنوان ساختار و شیوه‌های تدوین معجم صحابه نگاشته است و به سیر معجم‌نگاری پرداخته است. در خلال مقاله اشاره‌ای به اثر طبرانی نیز داشته است. اما در بحث اصفهان تنها به ذکر اسامی صحابه‌نگاران اصفهان که دارای کتب صحابه‌نگاری بوده‌اند اشاره کرده است. در مورد طبرانی نیز اطلاعات بسیار مختصری وجود دارد و مقاله‌ای در مورد شخصیت و دانش و آثارش در اصفهان یافت نشده است. در برخی منابع به صورت محدود به برخی آثار و شاگردان او اشاره شده است. هر چند شخصیت معروفی در اهل سنت است اما تحقیق جامعی در مورد او صورت نگرفته است.

در قرن اول هجری صحابه‌نگاری با فهرست‌نویسی آغاز شد. این عنوان را در اثر موسی بن عقبه می‌توان مشاهده کرد که مغازی خود را با هدف شناخت صحابه تالیف کرد (عسقلانی، ۱۴۳۵: ۴، ۱۸۳). در قرن سوم این جریان شتاب بیشتری پیدا کرد. واقدی از مورخانی بود که پیشگام این جریان بود و در کتابش که در دسترس نیست عناوینی با عنوان تسمیه من شهد فی بدر و... نام صحابه شرکت کننده در وقایعی که در زمان حضرت محمد (ص) رخ داده را ذکر کرده است. پس از او ابن سعد این شیوه را ادامه داد و به عامل مکان نیز توجه کرد مانند تسمیه من نزل مکه من اصحاب رسول الله (هدایت پناه، ۱۳۸۳: ۱۹۹). این عنوان به طور مکرر در معجم‌های طبرانی نیز مشاهده می‌شود.

تالیفات صحابه‌نگاری در همان قرن سوم در شام نیز رواج داشت و به دلیل اینکه مدت زمان طولانی تحت تسلط امویان قرار داشت در زمینه صحابه‌نگاری شرایط خاصی را داشت. بیشتر صحابه‌نگاری‌ها در شام شامل فضایل‌نگاری نیز می‌شد. در قرن سوم در شام کتابی به نام صحابه توسط محمد بن عوف طائمی ۲۷۲م و پس از آن اباعروبه حرانی ۳۱۸م و مولف کتاب «الصحابه» و کتاب دیگری به نام «المنتقى من کتاب طبقات» به نگارش درآمد (ابن ندیم، ۱۴۱۷: ۲۸۲: ذهبی، ۱۴۱۳، ۲۳: ۵۶۰).

شرح حال ابوالقاسم سلیمان بن احمد بن مطیر طبرانی:

طبرانی از طبریه شام برخاست و با میراث زادگاهش به شهرهای مختلف و از جمله اصفهان

سفر کرد. او در سال ۸۷۳/۲۶۰ در طبریه شام متولد شد (سمعانی، ۱۳۸۲، ۹: ۳۵؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵، ۱۰: ۱۰۴؛ صفدی، ۱۴۲۰: ۱۵، ۲۱۳). پدرش در کودکی به او آموزش می‌داد و او را به سفر می‌برد (ذهبی، ۱۴۰۵: ۱۶، ۱۱۹؛ المنصوری، ۱۴۲۷: ۳۶). او از سال ۸۸۶/۲۷۳ تا ۸۸۷/۲۷۴ در طلب حدیث به شهرهای بسیاری سفر کرد و به سماع حدیث پرداخت (ابن خلکان، ۱۹۰۰، ۲: ۴۰۷؛ ابن عماد حنبلی، ۱۴۰۶، ۴: ۳۱۰). علاقه بسیاری که او به فراگیری حدیث داشت باعث شد از ۱۳ سالگی با سفر به شهرهای مختلف به سماع از شیوخ حدیث بپردازد (ذهبی، ۱۳۸۲: ۸، ۱۴۳؛ یافعی، ۱۴۱۷، ۲: ۲۸۰؛ عسقلانی، ۱۳۹۰: ۳، ۷۳). او به دلیل تسلط بیش از حد در دانش حدیث به مسندالدنیا معروف شده است.

او با اقامت در اصفهان به نگارش معجم‌های خود پرداخت. در زمان اقامت او در اصفهان محدث مشهوری به نام ابواحمد عسال م ۹۶۰/۳۴۹ اثری در این مورد اثری به نگارش درآورد که به آن پرداخته خواهد شد. محققان، محدثان اصفهان از جمله ابواحمد عسال، طبرانی، ابن منده و ابونعیم اصفهانی را در زمره پیشگامان صحابه‌نگاری ذکر کرده‌اند (هدایت پناه، ۱۳۸۳: ۱۹۹).

طبرانی در حدود سال ۹۲۲/۳۱۰ در اصفهان برای همیشه اقامت کرد و دلایلی برای تبیین تأثیرات دانش طبرانی بر دانش حدیثی و صحابه‌نگاری اصفهان می‌توان بیان کرد. اقامت طبرانی در اصفهان و نقشی که او در این زمینه ایفا کرد قابل توجه و تأمل می‌باشد. معجم‌های او هنوز هم از کتاب‌های حدیثی شاخص اهل سنت است.

علت مسافرت و اقامت او به اصفهان به دلیل مشایخ برجسته‌ای در اصفهان همچون احمد بن عمرو بن ابی عاصم بصری اصفهانی م ۹۰۰/۲۸۷ بود که خاندان او از راویان صحاح شش گانه بودند. دیگری عبدالله بن محمد بن زکریا بود. این دو استاد قبلاً به شام سفر کرده بودند و این سفر به شام در آشنایی طبرانی با این اساتید مشهور تأثیر بسیاری داشت. طبرانی برای دیدار این اساتید و استفاده از دانش آنها به اصفهان سفر کرد. اما زمانی که به اصفهان رسید این اساتید فوت کرده بودند (ابن ابی عاصم، ۱۴۲۴، ۱: ۱۷؛ طبرانی، ۱۹۸۳، ۲۵: ۳۳۵). با این حال توانست از محضر مشایخ و محدثان مشهور بسیاری در اصفهان استفاده کند. بررسی تاریخ اسلام ذهبی نشان داد مشایخ و اساتیدی که او از آنها بهره‌برد، چهل نفر بوده‌اند. ۱- ابراهیم بن محمد معروف به نائله ۲- محمود بن احمد بن فرج معروف به وذنکاباذی ۳- ابراهیم بن متویه فرزند محمد بن حسن امام مسجد جامع عتیق (ابن اثیر، ۱۴۰۰، ۳: ۱۶۳) ۴- محمد بن عباس اخرم یا همان ابن ایوب که از حافظین بزرگ (اصفهانی، ۱۹۳۴، ۲: ۲۲۴؛ طبرانی، ۱۴۰۵، ۲: ۱۲۹) ۵- ابوعبدالله محمد بن یحیی بن منده و برخی دیگر (رازی، ۱۲۷۱، ۲: ۹؛ طبرانی، ۱۹۸۳، ۲۵: ۳۳۳) از جمله

این اساتید بودند. پس از مدتی اقامت در اصفهان از این شهر خارج شد و به نقاط دیگر سفر کرد. البته نام برخی دیگر از اساتید او در اصفهان از تالیفاتش مشخص می‌شود.

ابوالقاسم طبرانی پس از مدتی دوباره به اصفهان بازگشت. طبق برخی نقل‌ها برای بار دوم حدود شصت سال در اصفهان اقامت گزید و سرانجام در همین شهر رحلت کرد. ابوبکر احمد بن موسی بن مردویه بازگشت مجدد او را در سال ۹۲۲/۳۱۰ یا ۹۲۳/۳۱۱ ذکر می‌کند (ذهبی، ۱۳۸۲، ۲۶: ۲۰). بنابراین مدت حضور او شصت سال نمی‌شود. مطلبی که ابوبکر مردویه بیان کرده قابل تامل می‌باشد. ابوبکر مردویه از دانشمندان و بزرگان اصفهان و صاحب تالیف در مورد تاریخ اصفهان و معاصر با طبرانی بود. بنابراین تاریخ اعلام شده از سوی ابوبکر مردویه قابل اعتمادتر می‌باشد. حضور دوم او در اصفهان با حمایت مالی ابوعلی بن رستم عامل اصفهان و تامین مخارج او تا آخر عمر و ازدواج او در اصفهان همراه بود؛ ابوعلی بن رستم از او استقبال کرد و منزلی در اختیار او قرار داد و مقرری از بیت‌المال برای او تعیین کرد. طبرانی نیز تا زمان فوت آن مقرری را دریافت می‌کرد (طبرانی، ۱۹۸۳، ۲۵: ۳۳۶). می‌توان گفت وسعت علمی طبرانی در حمایت والی اصفهان از او بی‌تاثیر نبوده است. امرای آل بویه و والیان آنها در اصفهان از حامیان علم بودند. طبرانی نیز یکی از محدثان اهل سنت بود و در زمان حکومت آل بویه در اصفهان ساکن شد. اما فراهم شدن شرایط مالی و حضور اساتید برجسته در اصفهان به ماندگاری او در اصفهان منجر شد. تساهل آل بویه در زمینه امور مذهبی نیز در این مساله تاثیرگذار بود.

دانش گسترده طبرانی ملقب به مسندالدنیا:

عالمان مشهور بسیاری از جمله ابواحمد عسال ۳۴۹/۵۹۶۰.ق از برجسته‌ترین محدثان و از دانشمندان ثروتمند اصفهان که در زمان رکن الدوله نیز قاضی اصفهان بود نخستین اثر صحابه‌نگاری را تالیف کرد. در منابع از دانش او تمجید شده و القاب او مسندالدنیا، امام بزرگ و از پیشوایان بزرگ حدیث، از لحاظ اتقان و امانت و فهم حدیث بود (سمعی، ۱۳۸۲، ۹: ۲۹۲). ابواحمد عسال با وجود رتبه بالای علمی، از مجلس درس طبرانی بیست هزار حدیث فراگرفت. محدثان مشهور دیگری همچون ابراهیم بن محمد بن حمزه سی هزار حدیث و ابوشیخ اصفهانی چهل هزار حدیث از او فراگرفتند (طبرانی، ۱۹۸۳، ۲۵: ۳۴۴). تاثیر مجالس درس طبرانی در اصفهان باعث شده بود عالمان و دانشمندان مطرح و برجسته اصفهان در کلاس‌های درس او شرکت کنند. در ادامه اشاره خواهد شد که حدیث او متقاضی بسیار داشت.

البته تنها این مورد برای اثبات دانش بسیار او کافی نمی‌باشد. اما برخی وقایع و برخوردها و

قضاوت‌هایی که در منابع آمده‌است بیان کننده دانش او می‌باشد. در دیداری که بین جعفر بن ابی‌سری اصفهانی و ابن عقده انجام شد، جعفر بن سری از ابن عقده می‌خواهد تا درس فراموش شده را برایش بگوید. ابن عقده به دلیل اصفهانی بودن جعفر و دور بودن فضای مذهبی اصفهان از اهل بیت نسبت به بیان درس برای جعفر اکراه داشت. پس از آن ابن عقده از جعفر بن ابی‌سری در مورد طبرانی که در اصفهان اقامت داشت سوال کرد. اما جعفر، طبرانی را نمی‌شناخت. ابن عقده از این که جعفر چنین دانشمندی را نمی‌شناخت ناراحت شد. زیرا از نظر ابن عقده، طبرانی دانشمند بی‌نظیری بود و جعفر به عنوان فرد اصفهانی او را نمی‌شناخت. ابن عقده در کوفه و بغداد اقامت داشت (طبرانی، ۱۹۸۳، ۲۵: ۳۴۷).

مورد دیگری که بیان کننده وسعت دانش طبرانی می‌باشد مناظره او و ابوبکر جعابی در حضور ابن عمید بود. در این مناظره طبرانی احادیث بسیاری از حفظ داشت بر جعابی برتری می‌یافت و جعابی به علت ذکاوت بر طبرانی چیره می‌شد. در حین مناظره ابوبکر جعابی گفت حدیثی نزد من است و کسی آن را نمی‌داند. طبرانی از او درخواست کرد تا حدیث را برایش بیان کند. زمانی که حدیث را برای طبرانی بیان کرد؛ طبرانی به جعابی گفت: «ابوخلیفه این حدیث را از من گرفته است». در این زمان ابوبکر جعابی در مناظره مغلوب شد در حالی که فکر می‌کرد این حدیث فقط در نزد او می‌باشد. ابن عمید که در این مجلس بود آرزو داشت ای کاش به جای مقام وزارت در موقعیت علمی طبرانی بود (ابن ابی‌یعلی، ۱۴۱۹، ۲: ۵۰). حضور طبرانی در مجلس ابن عمید و پیروزی او بر جعابی را می‌توان نشان تسلط علمی او به شمار آورد. زیرا این مناظره در حضور وزیر دانشمند آل بویه صورت گرفت. البته دانش بسیار او در مناظره توانسته به پیروزی او کمک کند. این مساله تاثیر دانش طبرانی به عنوان مسند الدنیا بر اصفهان را نشان می‌دهد. او دانش خود را در مدت سی سال به دست آورده و در این راه حتی بر بوریا نیز نخواست که کنایه از تلاش پیگیر او در طلب حدیث بود (طبرانی، ۱۹۸۳، ۲۵: ۳۳۶).

اتفاق دیگری نیز در مسجد جامع رخ داد که دانش و تسلط او را بر برخی دانش‌های دیگر نیز بیان می‌کند. او در مسجد جامع اصفهان مشغول بیان حدیث بود که ابن طباطبا از حدیثی که طبرانی بیان کرد ناراحت شد و هسته خرمایی به او پرتاب کرد. طبرانی به او گفت: «ما را پریشان نکنید تا آنچه در یوم الحره گذشت بیان نکنیم». ابن طباطبا علوی از او معذرت خواهی کرد (ذهبی، ۱۴۱۳، ۲۶: ۲۰۵). این واقعه تسلط طبرانی را بر علم انساب و تاریخ را بیان می‌کند. مهارت او در این علوم بیانگر تاثیر علمی او بر فضای علمی اصفهان نیز می‌باشد.

صاحب بن عباد وزیر دانشمند آل بویه با مطالعه تالیفات طبرانی به وسعت دانش او اعتراف

کرده و مطالبی را که در سرزمین‌های دیگر از دست داده بود در تالیفات او یافته است. کتاب‌های او از لحاظ محتوا دارای اسناد محکم و استوار بود و عیبی در آن دیده نمی‌شد (طبرانی، ۱۹۸۳، ۲۵: ۳۵۹). به نظر می‌رسد چون هدف صاحب در اصفهان رواج محبت اهل بیت بوده است بیان این احادیث اهل بیت در خلال معجم‌های او توسط محدث مشهور و قابل قبولی چون او بسیار مهم و بالارزش بوده است و طبرانی با محتوای آثارش این مطالب ارزشمند را برای صاحب فراهم کرده است. به همین دلیل است که در منابع آمده است که حدیث طبرانی رایج، پرمشتری و پرطرفدار است (ذهبی، ۱۴۰۵: ۱۶، ۱۲۸).

تاثیر تالیفات ابوالقاسم طبرانی بر دانش حدیثی اصفهان:

نهضت صحابه‌نگاری از همان قرن اول همزمان با سیره‌نگاری و حدیث‌نگاری در بین علوم اسلامی رواج داشت. زیرا میراث فقه، حدیث و تاریخ مسلمانان به گزارش‌های صحابه وابسته بود. فهرست‌نویسی صحابه با نام تسمیه یا اسما از قرن سوم شتاب بیشتری گرفت. در بین پیشگامان صحابه‌نگاری، برخی از اسامی محدثان اصفهان نیز یافت می‌شود. این محدثان شامل ابواحمد عسال، طبرانی مقیم اصفهان، ابونعیم اصفهانی، ابو عبد الله منده و معجم الصحابه ابوبکر محمد ذکوانی می‌باشند. در قرن سوم و چهارم نام صحابه‌نگاری‌ها با عنوان معجم الصحابه یا معرفه الصحابه رواج یافت. در نیمه اول قرن چهارم صحابه‌نگاری با این عناوین در اصفهان شروع شد. محدثان اصفهان این جریان حدیثی را دنبال کردند و با الهام گرفتن از آثار طبرانی صحابه‌نگاری اصفهان را به پیش بردند.

ابوالقاسم طبرانی دارای تالیفات بسیاری است. در منابع به صد اثر از او اشاره کرده‌اند. این آثار بر جریان حدیث‌نگاری و پرداختن به صحابه بسیار تاثیرگذار بود. تاثیر تالیفات طبرانی بر جو علمی و فکری اصفهان تا مدت‌ها پس از او ادامه داشته است و تا سال ۱۳۰۰/۷۰۰ طالبان علم، معجم‌های او را خوانده‌اند و از آن استفاده کرده‌اند. کتاب‌های او به عنوان منبع برای تدریس محدثان اصفهان و بقیه نقاط شد. مشهورترین و مفصل‌ترین آثار طبرانی معاجم سه گانه او با نام‌های معجم کبیر، دیگری معجم اوسط و معجم صغیر است.

شهر اصفهان که طبرانی در آنجا اقامت گزیده، در قرون میانه یکی از مراکز مهم اهل حدیث بود و عالمان مشهوری از اهل حدیث، چون خانواده ابن‌منده در آن شهر اقامت داشته‌اند. کتاب معجم کبیر طبرانی نیز منعکس‌کننده نظام فکری اهل حدیث است و به مباحث اعتقادی اهل حدیث توجه شده است. علاوه بر اهمیتی که در زمینه مجموعه‌های حدیثی دارد

منبع مهم برای مطالعه سیره و سنت حضرت محمد(ص) می‌باشد (معارف، ۱۳۸۳: ۱۶۵). طبرانی در معجم کبیر خود از منابع متعددی بهره برده است. اما به شیوه متداول محدثان قرون میانه تنها طریق خود را در نقل آثار ذکر کرده است و با بررسی سلسله اسناد احادیث و مطالب موجود در شرح حال افراد، می‌توان منابع او را شناخت. شیوه او بر اساس حروف معجم است. او نخست شرح حال مختصری از هر یک از صحابه ذکر کرده و احادیثی که نام این افراد در سلسله سند آنها آمده را نقل کرده است.

او شیوه نگارش معجم خود را چنین بیان کرده است: «این کتاب جامع آثار تعدادی از راویان رسول خدا(ص)، از مردان و زنانی است که به آنها دست پیدا کرده‌ایم. این صحابی‌ان را به ترتیب الف، ب، ت، ... مرتب کرده‌ام، لکن ابتدا به ذکر ده تن از صحابه‌ای پرداخته‌ام که خداوند از آنان راضی است، زیرا احدی بر آنان تقدم ندارد. از هر یک از صحابه یک، دو، سه یا بیشتر حدیث آورده‌ام. این موضوع بستگی به تعداد روایات وارده از سوی هر صحابی دارد. اگر آن صحابی در شمار افراد قلیل الروایه باشد همه روایات او را آورده‌ام و نیز در صورتی که فرد صحابی از کسانی بوده که در رکاب پیامبر(ص) به شهادت رسیده و یا عمر کوتاهی داشته است، با استفاده از کتب تاریخ و مغازی شرح حالی از او ذکر کرده‌ام تا به این طریق راویان پیامبر(ص) شناخته شوند و از اصحاب آن حضرت یادی به میان آید» (طبرانی، ۱۴۱۵، ۱: ۵۱).

شیوه طبرانی در تألیف معجم کبیر تلفیقی از سنت تراجم‌نگاری و مسندنویسی است. طبرانی عموماً به ذکر احادیث بسنده کرده، خود توضیحی درباره محتوای احادیث نیاورده است و تنها در موارد اندکی که در نام صحابی در سلسله سند اختلاف نظر وجود داشته، توضیحی افزوده است. در مورد محتوای این کتاب منابع اطلاعاتی را در اختیار گذاشته‌اند. با توجه به توضیحات او کتابش منبع مناسبی در شناخت سیره صحابه و اطلاع از تولد و وفات آنها و نیز شرکت آنان در غزوات و امور دیگر است و سهم صحابه را در نقل و نشر سنت رسول خدا(ص) تا اندازه‌ای نشان می‌دهد. معجم کبیر او با مسند ابوبکر آغاز می‌شود که شامل ۴۲ روایت تاریخ درباره ابوبکر و ۵ روایت نبوی به نقل از ابوبکر است. به دنبال آن در مسند عمر، ۳۲ روایت درباره عمر و ۱۰ حدیث به نقل از عمر ذکر شده است. پس از مسند عمر بن خطاب، مسند عثمان آغاز می‌شود که ۵۴ حدیث تاریخی درباره عثمان و ۵ حدیث نبوی به نقل از عثمان دارد. به همین ترتیب در مسند علی(ع) ۲۲ حدیث طولانی در سیره امام(ع) وارد شده و به دنبال آن ۱۲ حدیث نبوی از قول علی(ع) نقل شده است. با توجه به این مطالب، معجم بزرگ طبرانی قبل از آنکه اثری خاص روایات نبوی باشد، کتابی در شرح حال صحابه و برخی دیگر از بزرگان اسلام است و از این جهت

شباهت فراوان با کتاب‌های طبقات ابن سعد و تاریخ طبری پیدا می‌کند.

تعداد روایات معجم کبیر طبرانی در حدود ۲۵۰۰۰ حدیث است. برخی روایات او در کتب سته وجود دارد که قاعدتاً اعتبار این روایات به اعتبار کتب سته بازگشت پیدا می‌کند و روایاتی که خارج از کتب سته بوده، طبرانی آنها را در کتاب خود آورده است. در این قسم از روایات هرگونه حدیثی اعم از صحیح، حسن، ضعیف و... وجود دارد و بعدها هیثمی شماری از آنها را در مجمع الزوائد گردآوری نمود (معارف، ۱۳۸۳: ۱۶۵).

معجم اوسط طبرانی حاوی احادیث مشکل‌دار را در ده جلد می‌باشد. تعداد احادیث طبرانی در معجم الاوسط ۹۴۸۹ ذکر شده است. او پس از نقل هر حدیث در مورد علت و نقص حدیث، چه در سند و چه در متن باشد توضیحات کوتاهی ارائه می‌دهد. محققان این کتاب را مانند کتاب علل دارقطنی ذکر کرده‌اند. ترتیب این کتاب به ترتیب مشایخ طبرانی بر اساس حروف معجم به نگارش درآمده است و به طور معمول این مشایخ نیز به نوعی غریب و ناشناخته هستند. بیشتر ایرادات او بر روایات موجود در این کتاب، نقص در سند است. تعداد اساتید او در این کتاب افزون بر هزار استاد است (حجت، ۱۳۹۶: ۱۹۵). این اثر برای مباحث مشکلات حدیث، کتابی ارزشمند بشمار می‌رود؛ زیرا خود ایشان گاهی، نقص حدیث و نقص سند را توضیح می‌دهد؛ البته توضیحاتش مختصر است (پاکتنچی، ۱۳۹۱، ۲: ۲۳۷).

معجم اوسط، بر پایه حروف الفبایی نام‌های مشایخ طبرانی تنظیم شده و طبرانی پس از ذکر نام هر استاد، چند حدیث و حداکثر تا ۵۰ حدیث از آن استاد نقل کرده است. لذا طبرانی در این کتاب درصدد ضبط همه مسموعات خود از مشایخ حدیثی نبوده، بلکه بیشتر هدفش نقل روایاتی بوده که متضمن غریب یا عللی بوده است که طبرانی آن را از دو هزار تن از مشایخ خود شنیده است (کتانی، ۱۹۸۶: ۱۳۵).

طبرانی معجم اوسط را روح خود نامیده و در نه یا ده جلد بر حسب مراکز انتشار آن، تالیف شده است. (ذهبی، ۱۴۱۹، ۳: ۸۶). علت این نام‌گذاری به دلیل تحمل سختی و مشقت بسیاری است که در راه تدوین این کتاب متحمل شده است (حجت، ۱۳۹۶: ۱۹۶).

در معجم صغیر نیز هزار نفر از شیوخ خود را آورده و در آن از هر شیخ خود یک یا دو حدیث ذکر کرده است (کتانی، ۱۹۸۶: ۱۳۶). تعداد این احادیث به ۱۱۹۸ عدد می‌رسد. در این کتاب نیز اسامی مشایخ را به ترتیب حروف الفبا تنظیم کرده است. او اسامی شیوخ خود را به صورت کامل و با ذکر مکان سماع روایت آورده است. روایات ذکر شده در سفرهای متعددی که از شیوخش شنیده و نوشته است. ابوبکر محمد بن عبدالله بن زید، شاگرد طبرانی، این کتاب را از او

روایت کرده است. این گونه معجم‌ها را معجم شیوخ نیز می‌گویند (حجت، ۱۳۹۶: ۱۹۵).

دوره حضور طبرانی در قرن چهارم زمان شروع صحابه‌نگاری در اصفهان بوده است. این سبک حدیثی تا قرن پنجم ادامه یافت و نمونه برجسته آن معجم کبیر طبرانی است که یک کتاب حدیثی و مسندنگاری است اما موضوع اصلی آن، صحابه و احادیث آنها می‌باشد (خانجانی، ۱۳۹۸: ۲۸۴). در قرن چهارم الصحابه ابواحمد عسال م ۳۴۹/۹۶۰ و معجم کبیر طبرانی و در قرن پنجم کتاب ماندگار معرفه الصحابه ابونعیم اصفهانی به نگارش درآمد.

ابواحمد عسال فردی دانشمند از جمله محدثانی بود که از محضر طبرانی نیز در زمینه حدیث بهره‌های فراوان برد (طبرانی، ۱۹۸۳، ۲۵: ۳۴۴). او معاصر با طبرانی نخستین کتاب صحابه را به نگارش درآورد. در اصفهان تا زمان طبرانی نگارش‌های حدیثی به صورت مسندنگاری بود و هیجده مسند توسط محدثان اصفهان به نگارش درآمده بود.

معجم کبیر که در چاپ‌های مختلف تهیه شده و یکی از آنها شامل بیست و پنج جلد می‌باشد در اصفهان تدوین شد. این تالیف راه را برای نگارش معرفه الصحابه ابونعیم اصفهانی هموار کرد و ابونعیم در ردیف پیشگامان نقد و بررسی مستندات صحابه‌نگاران پیشین قرار گرفت. او شیوه روایی صحابه‌نگاران را جامع و مانع ندانست (اصفهانی، ۱۴۱۹: ۱، ۲۰۴). اما در آثار خود از تالیفات استادش طبرانی بسیار استفاده کرد و جریانی تازه را با استفاده از مطالب استادش آغاز کرد.

تالیفات طبرانی مورد استفاده برخی محدثان دیگر نیز قرار گرفت. شجری نیز بخش اول کتاب خود را به ذکر فضایل و شمه‌ای از اخبار پیامبر (ص) اختصاص داده است. المرشد بالله عمده مطالب خود در این بخش از امالی را از «کتاب المعجم الکبیر» ابوالقاسم طبرانی نقل کرده است که المرشد بالله کتاب‌های وی را در اصفهان و نزد شاگرد و راوی مشهور طبرانی، ابوبکر محمد بن عبدالله بن احمد بن ریزه خوانده است. باب هشتم، اخباری درباره فضایل علی (ع) است. همچون بخش‌های دیگر کتاب، شجری، اخبار و احادیث فراوانی از کتاب «معجم الکبیر» طبرانی نقل کرده است؛ در حقیقت اگر گفته شود «امالی اثنبینیه» فوایدی برگرفته از کتاب «معجم الکبیر» طبرانی است که مطالب دیگری از دیگر منابع بر آن افزوده شده، سخن بی‌راهی نخواهد بود (رحمتی، ۱۳۸۹: ۴۶).

از عالمان دیگری که از او تاثیر پذیرفت میرزا فتح الله بن محمد بن جواد اصفهانی مولف کتاب «القول الصراح فی البخاری و صحیحہ جامع» می‌باشد که از روایات طبرانی در هشت مورد استفاده کرده است. در منابع اصلی شیعه، مانند من لایحضره الفقیه و تهذیب الاحکام شیخ طوسی روایاتی از طبرانی به چشم می‌خورد. در کتاب «الوافی» فیض کاشانی مواردی از روایات

طبرانی یافت می‌شود. ردپای آثار او را حتی در بحارالانوار می‌توان ملاحظه کرد که در ۸۶ مورد در کتابش از طبرانی یاد کرده است.

بنابراین ذکر احادیث فضایل اهل بیت توسط طبرانی در کنار دیگر احادیث و با توجه به اعتقادات مذهبی او که از اهل سنت بود؛ نشانه دیدگاه معتدل او و نقل روایات متعدد در فضایل اهل بیت (ع) بوده است. بی‌شک دیدگاه او در تعدیل موضع تند محدثان اصفهانی در قبال اهل بیت (ع) که به عنوان مرکزی از نواصب، مشهور بوده‌اند، تاثیرگذار شده است (رحمتی، ۱۳۸۹: ۴۷). گسترش فضایل اهل بیت در اصفهان مسأله‌ای مهم و قابل توجه بود. زیرا در مدت زمانی قبل از حضور طبرانی در اصفهان، در مناظره چهار تن از فقهای اهل سنت اصفهان که با ابوالولید کنانی رخ داده بود محدثان اصفهان خواستار صرف نظر کردن ابوالولید از بیان این فضایل بودند. ابوالولید کنانی از انجام خواسته این عالمان اصفهانی خودداری کرد. بنابراین او را مجازات کرده و شلاق زدند و حتی کتابی در رد او نوشتند (اصفهانی، ۱۹۳۴، ۱: ۴۹). طبرانی در چنین محیط فکری به بیان فضایل اهل بیت که در معجم خود پرداخت. محدثان دیگری بعد از طبرانی از معجم‌های او پیروی کرده‌اند و این فضایل را در کتاب‌های خود ذکر کرده‌اند.

او اخباری نیز در مورد حسن بن علی (ع) و امام حسین دارد. اثر او در مورد امام حسین تحت عنوان مقتل حسین به چاپ رسیده است شامل ۱۴۸ روایت است. هر کدام به بخشی از زندگانی امام حسین (ع) از فضایل تا رخداد‌های کربلا اختصاص دارد. اگرچه این کتاب مانند کتاب‌های مقتل معمول نیست اما روایات آن می‌تواند گوشه‌ای از مسائل مربوط به عاشورا را بیان کند. بسیاری از نقل‌ها به تحولات غیر طبیعی که در پی شهادت امام حسین (ع) رخ داده، اختصاص یافته است. طبعاً طریق این روایات، بر طبق اهل سنت است (رحمتی، ۱۳۸۹: ۴۷). طبق آمار دیگری در مورد فضائل امام علی و اهل بیت چنین ارقامی به دست آمد: از ۵۰۸ روایت، هشتاد و سه حدیث در مورد فضایل حضرت علی (ع) دارد. سی حدیث در مورد حدیث منزلت و سی و نه حدیث در مورد غدیر و ... سی حدیث در مورد این که حسن و حسین سرور جوانان اهل بهشت هستند (قبیسی عاملی، ۱۳۷۹: ۵۰-۵۷).

در جریان توسعه صحابه‌نگاری که توسط طبرانی در اصفهان دنبال شد احادیث فضایل اهل بیت که در آثارش وجود داشت در اصفهان بیشتر فراگیر شد. کتاب معجم کبیر طبرانی در بین مجموعه‌های حدیثی اهل سنت جایگاه ارزشمندی دارد و منعکس کننده نظام فکری اهل حدیث است. طبرانی در جای‌جای کتاب خود، به طرح مباحث اعتقادی اهل حدیث توجه نشان داده است، به دلیل اشتغال بر اخبار تاریخی فراوانی در سیره نبوی، یکی از منابع با ارزش برای

مطالعه سیره نبوی و تاریخ صدر اسلام بود. این فضایل که در خلال احادیث سیره نبوی (ص) وجود دارد در گذر زمان با توجه به اهمیت مقام طبرانی و اطمینان به دانش او مورد توجه محدثان اصفهان قرار گرفت.

شاگردان ابوالقاسم طبرانی:

شاگردان بسیار او نیز دلیلی دیگر بر بیان نقش موثر طبرانی و دانش او در ترویج صحابه‌نگاری در اصفهان می‌باشد. او شاگردان بسیاری در اصفهان داشت. ابوعبدالله بن منده و ابونعیم اصفهانی از شاگردان مشهور او بودند که پس از طبرانی، اساتید برجسته‌ای در اصفهان شدند. تعداد شاگردان طبرانی در اصفهان، طبق کتاب تاریخ اسلام ذهبی که وفیات سال‌های ۴۶۰-۳۵۱/۳۶۷-۹۶۲ را در جلد‌های (۲۶-۳۰) ذکر کرده، تعداد شاگردان طبرانی پنجاه نفر بوده‌اند. طبرانی در سال ۳۶۰/۹۷۰ هجری فوت کرد و شاگردانی که از محضر او استفاده کردند تا سال ۴۶۰/۱۰۶۷ از دانش و تالیفات او بهره بردند. از طرف دیگر باید یادآور شد که در آن زمان تعداد جمعیت کمتر بود و کسانی که به دنبال کسب دانش می‌رفتند نیز شامل همه افراد نمی‌شد. بنابراین این تعداد شاگرد که تنها در اصفهان بودند نشان دهنده حضور پررنگ طبرانی و تسلط دانش او بر فضای دانش حدیثی آن دوره بوده‌است. پس از آن در همین کتاب در خلال وفیات سال‌های ۴۶۰ تا ۵۷۰ ق به سی و هفت نفر از محدثانی اشاره شده که از تالیفات طبرانی و شاگردان او بهره برده‌اند.

همان طور که ذکر شد ابوعبدالله بن منده و ابونعیم اصفهانی از شاگردان برجسته او نگارش‌های استاد خود را دنبال کردند و شیوه‌ای نو در صحابه‌نگاری به وجود آوردند. ابوعبدالله بن منده کتابی به نام معرفه الصحابه نگاشت. ابن‌منده از خاندان معروف و برجسته اهل سنت اصفهان بودند. ابوعبدالله بن منده برای کسب حدیث به نقاط مختلف جهان اسلام سفر کرد. هزار و هفتصد شیخ و استاد را ملاقات کرد. هنگام بازگشت از سفر چهل بار کتاب با خود همراه داشت. در منابع به خاتم‌الرحالین معروف شد (ذهبی، ۱۴۱۹، ۳: ۱۵۸، goldziher، 1971، 2: 169). گروه بسیاری از ابن‌منده روایت کرده‌اند و منابع حدود ۵۵ شاگرد را برای او ذکر کرده‌اند (ذهبی، ۱۴۰۵، ۱۷: ۳۱). معاصران او و محدثان بعد، او را بسیار ستوده‌اند. دانشمندان معاصرش اعتراف کردند که کسی مانند ابن‌منده با این حافظه قوی را ندیده بودند (اصفهانی، ۱۹۳۴، ۲: ۳۰۶). برخی منابع رجالی او را حافظ مشرق خوانده و اظهار داشته‌اند که کسی دیگر را نمی‌شناخته که به اندازه او استماع حدیث کرده و به پایه او حدیث گرد آورده

باشد(ذهبی، ۱۴۰۵: ۱۷، ۳۰).

با توجه به جایگاه علمی ابن منده، کتاب معرفه الصحابه او مورد توجه صحابه‌نگاران قرار گرفت. ابن منده که از شاگردان طبرانی بود در مواردی از استاد خود و تالیفات او تاثیر گرفته است. در معرفه الصحابه از ۶۵۰ نفر از صحابه نام برده است. در بیان اصحاب و احادیث آنها ۳۴۴ مورد از آنها را از طبرانی نقل کرده است و صحابه بودن آنها را از طریق آثار استاد خود تایید کرده است. محققان در مورد ابونعیم اصفهانی یادآور شده‌اند که او کتاب معرفه الصحابه ابن منده را نقد کرده است و در برخی موارد اشکالات او را بیان کرده است. پس از آن در قرن ششم ابوموسی محمد بن عمر مدینی اصفهانی ذیلی بر این کتاب می‌نویسد و از مشهورترین ذیل‌ها بر کتاب ابن منده می‌باشد و ابن اثیر در اسدالغابه مکرر از کتاب ابوموسی مدینی استفاده کرده است به طوری که ۳۵۵۳ مدخل در اسدالغابه از ابن منده گرفته شده است(خانجانی، ۱۳۹۸: ۳۰۱).

ابونعیم اصفهانی از دیگر شاگردان مشهور طبرانی بود. تاثیر استادش در کتاب دلائل النبوه به خوبی مشهود است. او روایات فراوانی از استاد خود را در این کتاب ذکر کرده است. به طوری که با یک نگاه آماری حدود صد و بیست روایت از مجموع ۵۶۶ روایت این کتاب، یعنی بیش از یک پنجم روایاتش از طبرانی است. بر اساس تصریح ابونعیم او در پنج مورد با املا قرائت و در ده مورد به شکل املا و در سایر موارد بدون اشاره به چگونگی دریافت، از روایات طبرانی نقل کرده است(خانجانی، ۱۳۸۵: ۱۴۳).

ابونعیم اصفهانی با نگارش معرفه الصحابه خود تحول بزرگی در صحابه‌نگاری انجام داد. تا قبل اثر او صحابه‌نگاری به صورت حدیثی رواج داشت و تنها از صحابه‌ای نام برده می‌شد که روایتی از پیامبر داشته باشند این کتاب از منابع مهم صحابه شناسی و از کتب مرجع به حساب می‌آید زیرا او بنا را بر نقد و جرح و پالایش قرار داد و راه‌های مختلف شناخت صحابه را بررسی کرد(هدایت پناه، ۱۳۸۳: ۲۰۶) و گفته شده که او این کتاب را در رد معرفه الصحابه ابن منده نگاشته است. در این کتاب از ۱۴۰۲ نفر از صحابه نام برده است. از نظر او چون شناخت صحابه و مراتب آنان امری لازم است و غالباً مورد توجه بسیاری از محدثان قرار گرفته به تالیف این کتاب پرداخته است، او پس از ذکر عَشْرَه مبشره به ترتیب حروف هجا، به شرح احوال دیگر صحابه پرداخته است(اصفهانی، ۱۴۱۹: ۶).

آنچه توجه به این اثر را ضروری می‌کند این است که او با این اثر خود سرآغاز نگاهی نو به دانش صحابه‌نگاری ایجاد کرد و تا پیش از او صحابه‌نگاری به صورت حدیثی رواج داشت. منظور این است که اگر کسی از پیامبر حدیثی شنیده بود نامش به عنوان صحابه در منابع ذکر می‌شد. او

اشکالات متعددی به ابن قانع و خلیفه بن خیاط وارد کرد (خانجانی، ۱۳۹۸: ۳۰۴). او خاطرنشان کرده که تصور صحابی بودن این افراد براساس این روایات موهوم و بی اساس بوده و تنها کسانی به این روایات اهمیت می دهند که هدف آنها زیاد کردن تعداد صحابه می باشد (اصفهانی، ۱۴۱۹، ۱: ۷). ابونعیم اصفهانی برای شناخت صحابه معیارهای دیگری را مورد توجه قرار داد و ذکر روایت را تنها راه اثبات صحابی بودن تأیید نکرد.

پس از آن می توان آثار زیر را در مورد صحابه نگاری نام برد که ادامه جریان تالیف آثار صحابه نگاری در اصفهان شد. «معجم الصحابه» ابوبکر محمد بن احمد بن عبدالرحمن ذکوانی، «المستخرج للتذکره فی جمله من روی من الصحابه حدیث لیلہ القدر» از ابوالقاسم عبدالرحمن بن محمد بن اسحاق منده (م ۱۰۷۷/۴۷۰) (بابانی، ۵۱۷: ۱، ۱۹۵۱) «ذیل معرفه الصحابه» ابوزکریا یحیی بن عبدالوهاب محمد منده (م ۱۱۱۷/۵۱۱) از دیگر آثار خاندان منده در زمینه صحابه نگاری است و این ذیل را بر معرفه الصحابه جد خود نوشت. اما او اثر مستقل دیگری در زمینه صحابه نگاری به نام «من عاش من الصحابه مائه و عشرین» تالیف کرد. آثاری که پس از معرفه الصحابه ابونعیم اصفهانی تا سال ۱۱۱۷/۵۱۱ به نگارش درآمد بیانگر ادامه جریان صحابه نگاری در اصفهان است.

پس از آن ابوموسی محمد بن عمر مدینی ذیلی بر معرفه الصحابه ابونعیم اصفهانی نوشت. این کتاب یکی از مهم ترین و مشهورترین کتاب هایی است که در حوزه صحابه شناسی مورد توجه و استناد صحابه نگاران بعدی، به خصوص ابن اثیر و ابن حجر قرار گرفته است (ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۱، ۶). این کتاب اثری است که در منابع به عنوان کتاب مشهور در زمان خود محسوب شده است (ابن تیمیه، ۱۴۰۶، ۷: ۱۹۵؛ عسقلانی، ۱۴۱۵، ۱: ۷۸).

تلاش های طبرانی با اقامت در اصفهان و تربیت شاگردان و دانش فراوان باعث شد اصفهان در زمینه صحابه نگاری در رتبه دوم پس از خراسان قرار گیرد (خانجانی، ۱۳۸۹: ۲۸۶). مطالب ذکر شده بیان کننده زوایای وسعت دانش طبرانی بوده است. مناظره او با ابوبکر جعابی و توصیف ابن عقده از طبرانی و تسلط او در دانش انساب و تاریخ نشانه هایی هر چند کوچک برای تأیید دانش او است. همچنین این اعتقاد وجود داشت که حدیث طبرانی رایج، پرشتی و یرتقاضا است (ذهبی، ۱۴۰۵: ۱۶، ۱۲۸). این دانش وسیع باعث شد فردی مهم و اثرگذار در اصفهان باشد.

از طرف دیگر باید اشاره کرد که تالیفات و تربیت شاگردان بسیار توسط طبرانی با دانش حدیث اصفهان و محدثان آن پیوند خورده است. با بررسی سلسله اسناد و راویان طبرانی در معجم صغیر از هزار شیخ او در معجم صغیر، نود و یک نفر اصفهانی هستند. در بررسی راویان طبرانی

در معجم اوسط این مطلب مشخص می‌شود که بیشتر این راویان به ترتیب از مناطق شام، بغداد، مصر و اصفهان بوده‌اند و اصفهان در رتبه چهارم قرار دارد. این بررسی و جستجو در معجم اوسط، اهمیت اصفهان را برای طبرانی به عنوان یکی از پایگاه‌های علمی قابل توجه و شناخته شده آشکار می‌کند و مرکزیت علمی اصفهان او را در این شهر ماندگار کرد.

نتیجه

دانش صحابه‌نگاری در تمدن اسلامی از دانش‌های اساسی بود. این جریان دنبال مسند نگاری بود و محدثان اصفهان از ابتدا در مسند نگاری تالیفاتی داشتند. پس از مسندنگاری، صحابه‌نگاری به شکل اصولی‌تر از قرن چهارم در اصفهان دنبال شد و بیشتر مورد توجه قرار گرفت. طبرانی شامی با اقامت در اصفهان و نگارش اثر بزرگش معجم کبیر در اصفهان نمونه‌ای تأثیرگذار در تمدن اسلامی شد. اقدامات او جریان صحابه‌نگاری را در اصفهان رونق بخشید. فضای مذهبی اهل سنت اصفهان در ترویج اقدامات طبرانی موثر بود. یکی از شاگردان اصفهانی او پایه‌گذار و پیشگام صحابه‌نگاری انتقادی در تمدن اسلامی شد. اکثر منابع صحابه‌نگاری تالیف شده در اصفهان مورد استفاده محدثان قرن‌های بعد قرار گرفت و نقش تعیین‌کننده‌ای در جریان صحابه‌نگاری در تمدن اسلامی ایفا کرد. جریان صحابه‌نگاری در اصفهان با تلاش‌های بسیار عالمان جزو رتبه‌های نخستین صحابه‌نگاری قرار گرفت. بنابراین اصفهان از همان قرن دوم در جریان صحابه‌نگاری نقش موثری ایفا کرد. آنچه می‌تواند راهگشای محققان برای رسیدن به عمق فضای مذهبی حاکم بر اصفهان باشد بررسی کتاب‌های مربوط به صحابه‌نگاری طبرانی و ابوعبدالله منده و ابونعیم اصفهانی می‌باشد. زیرا روایاتی که در این تالیفات است می‌تواند علل ادامه‌گرایش اهل سنت را در اصفهان را به طور دقیق مشخص کند، به طوری که این فضا تا زمان آل بویه نیز بر فضای اصفهان حاکم بود.

منابع

- ۱- ابن ابی‌یعلی، محمد (۱۴۱۹)، طبقات الحنابلہ، محقق عبدالرحمن بن سلیمان العثیمین، ریاض، فہرسة مکتبه الملک فہد الوطنیہ اثنا النشر.
- ۲- ابن تیمیہ، احمد بن عبدالحلیم، (۱۴۰۶)، منهاج السنة النبویة فی نقض کلام الشیعة القدريّة، محمد رشاد سالم، جامعہ امام محمد بن سعود اسلاميہ.
- ۳- ابن اثیر، عزالدین علی (۱۴۰۹)، اسد الغابہ فی معرفہ الصحابہ، بیروت، دارالکتب الفکر.
- ۴- ابن ابی‌عاصم، احمد بن عمرو (۱۴۲۴)، الديات، ریاض، الملکة العربيہ السعودیہ.
- ۵- احمد، منیرالدین (۱۳۶۸)، نہاد آموزش اسلامی، ترجمہ محمد حسین ساکت، مشہد، آستان قدس رضوی
- ۶- ابن خلکان، ابوالعباس شمس الدین، (۱۹۰۰)، وفيات الاعیان، بیروت، دارصادر.
- ۷- ابن عساکر، (۱۴۱۵)، تاریخ مدینہ دمشق، تحقیق عمرو بن الغرامہ العمروی، دارالفکر للطباعہ و النشر و التوزیع.
- ۸- ابن عماد حنبلی، شہاب الدین ابوالفلاح (۱۴۰۶)، تحقیق الارناؤوط، بیروت، دارالکثیر.
- ۹- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، (۱۴۱۷)، الفہرست، ابراہیم رمضان، بیروت، دارالمعرفہ.
- ۱۰- اصفہانی، احمد بن عبد اللہ، (۱۹۳۴)، ذکر اخبار اصبہان، مصحح حسن سیدکسروی، بیروت، دارالکتب العلمیہ.
- ۱۱- _____، (۱۴۱۹) معرفہ الصحابہ، عادل بن یوسف العزازی، ریاض، دارالوطن للنشر.
- ۱۲- اصفہانی، عبد اللہ بن محمد (۱۴۱۲) طبقات المحدثین باصبہان و الواردين علیہا، محقق البلوشی عبدالغفور عبدالحسین، بیروت، موسسہ الرسالہ.
- ۱۳- بابانی، اسماعیل بن محمد، (۱۹۵۱)، ہدیہ العارفین اسما المؤلفین و آثار المصنفین، بیروت، داراحیا التراث العربی.
- ۱۴- پاکتچی، احمد، (۱۳۹۱)، پژوهشی پیرامون جوامع حدیثی اہل سنت، تہران، دانشگاه امام صادق (ع).
- ۱۵- حجت، ہادی، غلامعلی، مہدی، (۱۳۹۶)، کتابشناخت حدیث، بازشناسی مهمترین منابع حدیثی شیعیہ و اہل سنت، قم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث.

- ١٦- خانجانی، قاسم (١٣٨٥)، نگاهی به کتاب دلایل در سیره نگاری، تهران، تاریخ اسلام در آینه پژوهش، شماره ١١، (١٣١-١٥٦).
- ١٧- خطیب بغدادی، احمد بن علی (١٤٢٢)، تاریخ بغداد، محقق دکتر بشار عواد معروف، بیروت، دارالغرب الاسلامی.
- ١٨- ذهبی، شمس الدین (١٤١٣)، تاریخ اسلام، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربی.
- ١٩- _____ (١٤٠٥)، سیر اعلام النبلا، محقق شعیب الارناؤوط، بی جا، موسسه الرساله.
- ٢٠- _____ (١٣٨٢)، میزان الاعتدال، تحقیق محمد علی البجاوی، بیروت، دارالمعرفه للطباعه و النشر.
- ٢١- ذهبی، شمس الدین (١٤١٩) تذکره الحفاظ، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ٢٢- رازی، عبدالرحمن بن محمد، (١٢٧١)، الجرح والتعديل، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- ٢٣- رحمتی، محمد کاظم، (١٣٨٩)، المرشد بالله شجرى و کتاب «الأمالی الأثنینیه، أثینة پژوهش، ش ١٢١، (٤٦-٥٠).
- ٢٤- سمعانى، ابوسعید عبدالکریم بن محمد (١٣٨٢) الانساب، تحقیق عبدالرحمن بن یحیی المعلمی الیمانی، حیدر آباد، مجلس دائره المعارف الاسلامیه.
- ٢٥- صفدى، صلاح الدین خلیل بن ایبک (١٤٢٠)، محقق احمد الانلاؤوط و ترکی مصطفی، بیروت، دارالاحیا التراث.
- ٢٦- طبرانی، سلیمان بن احمد (١٤٠٤-١٩٨٣)، معجم کبیر، ج ٢٥، بی جا، مکتبه ابن تیمیه.
- ٢٧- _____ (١٤٠٥)، معجم صغیر، بیروت، المکتب الاسلامی.
- ٢٨- _____، (بی تا)، معجم اوسط، طارق بن عوض الله بن محمد، عبد المحسن بن إبراهیم الحسینی، قاهره، دارالحرمین.
- ٢٩- عسقلانی، ابن حجر، (١٤١٥)، الاصابه فی تمییز الصحابه، عادل أحمد عبد الموجود وعلی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیه.

- ۳۰- _____، (۱۳۹۰)، لسان المیزان، محقق دایره المعارف النظامیه، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ۳۱- _____، (۱۴۳۵)، تهذیب التهذیب، ابراهیم الزبیق، عادل مرشد، بیروت، موسسه الرساله.
- ۳۲- قبیسی عاملی، هادی (۱۳۷۹)، فضایل امیر المومنین و اهل بیت در معجم‌های طبرانی، شماره ۱۸، تهران، مجله علوم حدیث، صفحات ۴۳-۶۷.
- ۳۳- کتانی، محمد بن جعفر، (۱۹۸۶)، الرساله المستطرفه، استانبول، دارقهرمان.
- ۳۴- معارف، مجید، (۱۳۸۳)، جوامع حدیثی اهل سنت، تهران، سمت.
- ۳۵- المنصوری، نایف بن صلاح (۱۴۲۷)، ارشادالقاصی و الدانی الی تراجم شیوخ طبرانی، ریاض، مکتبه ابن تیمیه.
- ۳۶- هدایت پناه، محمدرضا، (۱۳۸۳-۱۳۸۴)، درآمدی بر شناخت شکل‌گیری و تطور صحابه‌نگاری ۱، فصلنامه تاریخ در آینه پژوهش، شماره ۳، ۱۹۷-۲۳۶.
- ۳۷- _____، (۱۳۸۴)، درآمدی بر شناخت شکل‌گیری و تطور صحابه‌نگاری ۲، فصلنامه تاریخ در آینه پژوهش، شماره ۴، (۲۲۵-۲۵۰).
- ۳۸- _____، (۱۳۸۱)، ساختار و شیوه‌های تدوین معجم صحابه، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۶۱-۶۲، (۱۸۰-۱۹۵).
- ۳۹- یافعی، عبدالله بن اسعد بن علی (۱۴۱۷)، مرآة الجنان، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۴۰- Goldziher Ignaz (1971) Muslim studies 2 Ignaz Goldziher translated by C. R. Barber and S. M. Stern New york.